



ترجمه کلمه به کلمه و روان متن

مِنْ آيَاتِ الْأَخْلَاقِ (از آیه‌های اخلاق)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَوْمِ	مِنْ	فَوْمِ	لَا يَسْخُرْ	آتُونَا	الَّدِينَ	﴿يَا أَيُّهَا
قُومٌ	مِنْ	قُومٌ	قُومٌ	نَبِيَّدْ مَسْخُرَهْ كَنَدْ	كَسَانِيْ كَهْ	إِيْ
ای کسانی که ایمان آور دید نباید قومی، قومی [دیگر] را مسخره کنند						

عَسَىٰ	أَنْ يَكُونُوا	مِنْهُمْ	وَ لَا	نِسَاءٌ	مِنْ	نِسَاءٌ	زَنَانٌ
شَاءَ	كَهْ باشند	بَهْتر	وَ	نَهْ	ازْ	نَهْ زَنَانٌ	ازْ زَنَانٌ
شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و نه زنانی، زنانی [دیگر] را مسخره کنند.							

عَسَىٰ	أَنْ يَكُنَّ	خَيْرًا	وَ	مِنْهُنَّ	وَ لَا	لَا تَلْمِزُوا	أَنْفُسَكُمْ
شَاءَ	كَهْ باشند	بَهْتر	وَ	عِيْبَنَ	وَ	عِيْبَنَ	خُودَتَانَ
شاید که [آن‌ها] بهتر از خودشان باشند و از خودتان عیب نگیرید							

وَ لَا تَنَابِزُوا بِالْأَلْقَابِ	بِئْسَ	الْفُسُوقُ	الْأَسْمُ	بَعْدَ	إِلِيَّمَانِ
وَ	أَنْ يَكُنَّ	خَيْرًا	مِنْهُنَّ	لَا تَلْمِزُوا	وَ
و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید					

و به یکدیگر لقب‌های زشت ندهید پس از ایمان [به خدا] نام آلوده شدن به گناه [چه] بد است (چه نام بدی است آلوده شدن به گناه بعد از ایمان)

وَ	مِنْ ^۲	لَمْ يَتَبَّ	فَأُولَئِكَ	هُمْ	الظَّالِمُونَ*	يَا أَيُّهَا	إِلِيَّمَانِ	بَعْدَ
وَ	هُرَّكَس	تَوْبَهْ نَكَرَد	پَسْ آنَان	هَمَان	سَتَمَكَارَان	كَسَانِيْ كَهْ	إِيمَانِ	بَعْدَ
و هر کس توبه نکند پس آنان همان ستمکاران هستند، ای کسانی که ایمان آور دید								

أَجْنَبُوا	كَثِيرًا	بَسِيَار	بِعْضُهُمْ	الظَّلَّنَ	إِنْ	بَعْضَهُ	الظَّلَّنَ	الظَّلَّنَ	إِلِيَّمَانِ
وَ	مِنْ	أَيُّهَا	يَا أَيُّهَا	الظَّالِمُونَ*	بَعْدَ	بَعْضَهُ	الظَّلَّنَ	الظَّلَّنَ	بَعْدَ
از بسیاری از گمان[ها] بپرهیزید به راستی برخی گمان[ها] گناه هستند.									

وَ	لَا تَجَسِّسُوا	جَاسُوسِيَّ نَكَنِيد	وَ	لَا يَعْتَبِ	بَعْضُكُمْ	بَعْضًا	إِلِيَّمَانِ
وَ	لَا تَجَسِّسُوا	جَاسُوسِيَّ نَكَنِيد	وَ	لَا يَعْتَبِ	بَعْضُكُمْ	بَعْضًا	إِلِيَّمَانِ
و جاسوسی نکنید و نباید از یکدیگر غیبت کنید (نباید برخی از شما برخی [دیگر] را غیبت کنند).							

أَيَا	دُوْسَتْ دَارَدْ	يَكِيْ ازْ شَمَا	كَهْ بَخُورَدْ	غَوْشَتْ	الظَّلَّنَ	إِنْ	بَعْضَهُ	الظَّلَّنَ	إِلِيَّمَانِ
أَيَا	دُوْسَتْ دَارَدْ	يَكِيْ ازْ شَمَا	كَهْ بَخُورَدْ	غَوْشَتْ	الظَّلَّنَ	إِنْ	بَعْضَهُ	الظَّلَّنَ	إِلِيَّمَانِ
آیا یکی از شما (کسی از شما) دوست دارد که گوشت برادرش را در حالی که مرده است بخورد؟									

فَكَرْهُتُمُوهُ	وَ	أَنَّ تَقُوَّا	اللَّهُ	إِنْ	اللَّهُ	اللَّهُ	تَوَابُ ^۲	رَحِيمُ ^۱ (الْخُجُولَاتِ ۱۱)	مِنْيَا
فَكَرْهُتُمُوهُ	وَ	أَنَّ تَقُوَّا	اللَّهُ	إِنْ	اللَّهُ	اللَّهُ	تَوَابُ ^۲	رَحِيمُ ^۱ (الْخُجُولَاتِ ۱۱)	مِنْيَا
پس آن را ناپسند داشتید و از خدا پروکنید به راستی خداوند بسیار توبه‌پذیر مهربان است.									

فَدْ	يَكُونُ	بَيْنَ	النَّاسِ	مِنْ	هُوَ	أَحْسَنُ ^۴	مِنْ	أَحْسَنَ ^۳	إِلِيَّمَانِ
فَدْ	يَكُونُ	بَيْنَ	النَّاسِ	مِنْ	هُوَ	أَحْسَنُ ^۴	مِنْ	أَحْسَنَ ^۳	إِلِيَّمَانِ
گاهی میان مردم کسی هست که او بهتر از ماست،									

فَعَلَيْنَا	أَنْ تَبَعِدَ	عَنِ	الْعَجْبِ	وَ	أَنْ لَا تَذَكَّرْ	عَيْبِ الْأَخْرَيْنَ	بِكَلَامِ حَفَّيْ	أَوْ إِيْشَارَةً	مِنْيَا
فَعَلَيْنَا	أَنْ تَبَعِدَ	عَنِ	الْعَجْبِ	وَ	أَنْ لَا تَذَكَّرْ	عَيْبِ الْأَخْرَيْنَ	بِكَلَامِ حَفَّيْ	أَوْ إِيْشَارَةً	مِنْيَا
پس ما باید (بر ما لازم است) از خودپسندی دوری کنیم و عیب‌های دیگران را با سخنی پنهان یا با اشاره‌ای یاد نکنیم.									

۱. جمله شرطیه است و جمله «فَأُولَئِكَ ...» جواب شرط است.

۲. «خَيْر» اسم تفضیل است.

۳. «تَوَاب» اسم مبالغه است.



فَقْدُ قَالَ							أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
مِثْلُهُ.	فِيلَكَ	مَا	أَنْ تَعِيبَ	الْعِيْبِ	«أَكْبَرُ»	بِزَرْگَتِينَ	
مانند آن	در تو	آن چه	که عیب دار کنی	عیب	بزرگ ترین		پس گفته است

پس امیرمؤمنان علیه السلام گفته (فرموده) است: «بزرگ ترین عیب [آن است] که آن چه مانند آن در توست را عیب دار کنی.»

تَنَصُّحُنَا							وَ
الْآخَرِينَ. ^٣	لَا تَعِيْبُوا	تَقُولُ:	وَ	الْأُولَى ^٤	الْآيَةُ	آيَهُ	وَ
دیگران	عیب جویی نکنید	می‌گوید	و	اوَلٌ	آیه	ما را پند می‌دهد	

آیه اوَلٌ ما را پند می‌دهد و می‌گوید: از دیگران عیب جویی نکنید

لَا تُلَقِّبُوهُمْ							وَ
الْفُسُوقُ!	الْعَمَلُ	بِشَنْ	يَكْرَهُونَهَا.	بِالْقَابِ	بِالْأَنْوَافِ	وَ	وَ
آلوده شدن به گناه	کار	[چه] بد است	آن را ناپسند می‌دارند	با لقب‌ها	آنان را لقب ندهید	و	

و آنان را با لقب‌هایی که آن‌ها را ناپسند می‌دارند، لقب ندهید. آلوده شدن به گناه [چه] بد کاری است!

يَفْعُلُ							وَ
الظَّالِمِينَ.	مِنْ	فَهُوَ	ذَلِكَ	إِذْنُ	إِذْنُ	وَ	وَ
ستمکاران	از	پس او	آن	انجام می‌دهد	هر کس		

و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است.

فَقْدُ حَرَامَ							وَ	إِذْنُ
الْآيَتَيْنِ:	هَاتَيْنِ	فِي	تَعَالَى	اللَّهُ	بِنَابِرِيْنَ	پس حرام کرده است	وَ	إِذْنُ
دو آیه	این دو	در	بلند مرتبه	خدا				

بنابراین خدای بلند مرتبه در این دو آیه [آن را] حرام کرده است:

الْآخَرِينَ،							وَ	- إِلَاسْتِهْزَاءِ ^٦
الْقَبِيْحَةِ.	بِالْأَسْمَاءِ	تَسْمِيَتُهُمْ	وَ	دِيْغَرَانِ	رِيشْخَنْدَ كَرْدَنِ		وَ	- إِلَاسْتِهْزَاءِ ^٦
زشت	به نام‌ها	نامیدن آنان	و					

- ریشخند کردن دیگران و نام دادن (نامیدن) آنان با نام‌های زشت

- سُوَءَ الْفَلَنِ، وَ							وَ	بَدْعَمَانِي
مَنْطِقِيٍّ.	ذَلِيلٍ	بِدُونِ	آخَرَ	شَخْصٍ	أَتَهَمُ	هُوَ	وَ	بَدْعَمَانِي
منطقی	علت، دلیل	بدون	دیگر	به شخص	تهمت زدن	آن	و	بدگمانی

- بدگمانی و آن تهمت زدن یک شخص (شخصی) به شخصی دیگر بدون علت منطقی است.

- أَلَتَجَسِّسَ، وَ							وَ	جَاسُوسِيَّ
النَّاسِ	أَسْرَارِ	لَكْشِفِ	قَبِيْحَةُ	مُحَاوَلَةُ	هُوَ	وَ	وَ	جَاسُوسِيَّ كَرْدَنِ
مردم	رازها	برای کشف	زشت	تلاش	آن	و		

- جاسوسی کردن و آن تلاشی زشت برای کشف رازهای مردم است

لِفْضِحِهِمْ							وَ	بَرَاهِيْنَ
السَّيِّئَةِ.	الْأَخَلَاقِ	فِي	كَبَائِرِ الدُّنُوبِ	مِنْ	أَكْبَرُ	هُوَ	وَ	بَرَاهِيْنَ
زشت	اخلاق‌ها	از	گناهان بزرگ	در	مکتب ما	آن	و	براهیں

برای رسوا کردن آنان و آن از بزرگ‌ترین گناهان در مکتب ما و از اخلاق‌های زشت است.

- وَ الْغَيْبَةُ، وَ							وَ	غَيْبِيَّ
النَّاسِ.	بَيْنَ	الْتَّوَاضِلِ	قَطْعِ	أَسْبَابِ	مِنْ	أَهْمَمُ	وَ	غَيْبِيَّ
مردم	میان	ارتباط	بریدن	عنت‌ها	از	آن	و	

- غیبت و آن از مهم‌ترین علّت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

سَمَّيَ بَعْضُ الْمُفَسِّرِيْنَ							وَ	سُورَةُ الْحُجَّارَاتِ
الْأَخَلَاقِ	بِسُورَةِ	فِيهَا	جَاءَتْ	النَّيِّ	مِنْ	أَكْبَرُ	وَ	سُورَةُ الْحُجَّارَاتِ
اخلاق	به سوره	در آن	آمد	که	دو آیه	این دو		

برخی از مفسران سوره حجرات را که در آن، این دو آیه آمده است، سوره اخلاق نامیدند.

۱. «أَكْبَرُ» اسم تفضیل است.

۲. «الأُولَى» اسم تفضیل مؤثر بر وزن «فُلَى» است.

۳. «الآخَرِينَ» مفرد «الآخَر» در اصل به صورت «أَخَر» بر وزن «أَفْعَلُ» است و اسم تفضیل می‌باشد.

۴. این جمله، جمله شرطیه است. جمله «فَوْءَ ...» جواب شرط است.

۵. «الإِشْتَهَاءُ» با حرف اضافه «بِ» می‌آید.

۶. «أَهْمَمُ» در اصل «أَهْمَمُ» است که بر وزن «أَفْعَلُ» و اسم تفضیل است.

واژگان

۵

عُجْبٌ: خودپسندی**عَسَى:** شاید = رُبَّما**عَذْبٌ:** عذاب داد

(مضارع: يُعَذِّبُ / امر: عَذْبٌ / مصدر: تَعذِيبٌ)

غَلَبْتُ: چیره شد**فُسُوقُ:** آلوده شدن به گناه**فَضْحٌ:** رسوا کردن**قَدْ:** گاهی، شاید ← (بر سر فعل مضارع می آید.)

«قَدْ يَكُونُ»: گاهی می باشد ← بر سر فعل

ماضی برای نزدیک ساختن زمان فعل به حال و معادل ماضی نقلی است.

كَبَائِرُ: گناهان بزرگ «مفرد: كَبِيرَةٌ»**كَرْهَةٌ:** ناپسند داشت

(مضارع: يُكْرِهُ / امر: إِكْرَهُ / مصدر: كَراهة)

لَحْمٌ: گوشت «جمع: لُحُومٌ»**لَقَبٌ:** لقب داد (مضارع: يُلْقِبُ / امر: لَقَبْ)**لَمَرَّةٌ:** عیب گرفت (مضارع: يَلْمِرُ)**مَتْجَرٌ:** معازه**مَيْتٌ:** مرده «جمع: أَمْوَاتٌ، مَوْتَىٰ» ≠ حَيٍّ**مُهَتَّدِيٌ:** هدایتشده**مِيزَانٌ:** ترازو «جمع: مَوَازِينٌ»**نَوْعِيَّةٌ:** نوع، جنس**تَوَاصِلٌ:** ارتباط

(ماضی: تَوَاصَلٌ / مضارع: يَتَوَاصِلُ)

تَمَمَّ: کامل کرد

(مضارع: يُتَمَّمُ / امر: تَمَمْ / مصدر: تَتَمِيمٌ)

جَادَلَ: گفت و گو کرد، ستیز کرد

(مضارع: يَجَادِلُ / امر: جادِلٌ / مصدر: مُجَاجَلَةٌ)

حَرَمَ: حرام کرد

(مضارع: يُحرَمُ / امر: حَرَمٌ / مصدر: تَحْرِيمٌ)

حَسَنَ: نیکو گردانید

(مضارع: يَحْسَنُ / امر: حَسَنٌ / مصدر: تَحْسِينٌ)

حَيَّ: بشتاب**حَفَّصُ:** تخفیف داد

(مضارع: يَحْفَصُ / امر: حَفَّصٌ / مصدر: تَحْفِصٌ)

خَفَقَيْ: پنهان ≠ ظاهر**رَمِيلٌ:** همکار

سَاءَ: بد شد (مضارع: يَسُوءُ)

سَخِرَمِنْ: مسخره کرد

(مضارع: يَسْخَرُ / مصدر: سُخْرِيَّةٌ)

«لا يَسْخَرُ»: نباید مسخره کند»

سِعْرُ: قیمت «جمع أَسْعَارٌ»**صَلَّ:** گمراه شد (مضارع: يَصِلُّ)

عَابٌ: عیب جویی کرد، عیب دار کرد

(مضارع: يَعْبُ / مصدر: غَيْبٌ)

إِنْقَى: پروا کرد (مضارع: يَنْقِي)

«إِتَّقُوا اللَّهَ: از خدا پروا کنید»

إِثْمٌ: ذنب**إِسْتِهْزاً:** ریشخند کردن

(ماضی: إِسْتَهْزَأَ / مضارع: يَسْتَهْزِئُ)

أَدْعُ: فرا بخوان**إِغْتَابٌ:** غیبت کرد (مضارع: يَغْتَبُ)

«لا يَغْتَبُ»: نباید غیبت کند»

أَنْ يَكُونَ: که باشند (کان، یکون)**أَنْ يَكُونُوا:** که باشند (کان، یکون)**أَهْدَى:** هدیه کرد**بَعْضٌ ... بَعْضُ:** یکدیگر**بِئْسٌ:** بد است

تَابٌ: توبه کرد (مضارع: يَتَوَبُ)

«لَمْ يَتَبَّعْ»: توبه نکرد»

تَجَسَّسَ: جاسوسی کرد

(مضارع: يَتَجَسَّسُ / امر: تَجَسَّسٌ / مصدر: تَجَسُّسٌ)

تَسْمِيَّة: نام دادن، نامیدن

(ماضی: سَمَّى / مضارع: يَسْمِيٌّ)

تَحْفِصُ: تخفیف دادن (در داد و ستد)**تَنَابُرٌ بِالْأَلْقَابِ:** به یکدیگر لقبهای زشت دادن

(ماضی: تَنَابَرٌ / مضارع: يَتَنَابَرٌ / مصدر: تَنَابُرٌ)

تَوَابٌ: بسیار توبه پذیر، بسیار توبه کننده

۶

عَمَلٌ = فِعْلٌ	رَحِيمٌ = حَنُونٌ	إِثْمٌ = ذَنْبٌ = حَطَبَيَّةٌ	خَيْرٌ = أَفْضَلٌ، أَحْسَنٌ	يَا = أَيْهَا	مترادف
کار	مهربان	گاه	بهتر، بهترین	ای	
تَوَاصِلٌ = ارتباط	مَحاوَلَةٌ=إِجْتِهَادٌ=سَعْيٌ	شاید	شَخْصٌ = فَرْدٌ	يَفْعُلُ = يَغْمَلُ	
ارتباط	تلash		فرد، شخص	انجام می دهد، کار می کند	
إِسْتَهْزاً بِ = سَخِيرَمِنْ	كَبَائِرُ = الدُّنُوبُ الْكَبِيرَةُ	جَعَلَ = وَضَعَ	سَبِيلٌ = طَرِيقٌ	حَسَنٌ = جَيِّدٌ	
ریشخند کرد، مسخره کرد	گناهان بزرگ	قرار داد	راه	خوب	
إِجْتِنَابٌ = إِبْتِعادٌ	مَخْفِيٌ = مَسْتُورٌ	تَنَابُرٌ = لَقَبٌ	كَرِيهٌ = قَبِحٌ	عَابٌ = لَمَرَّةٌ	
دوری کردن، دور شدن	پنهان	با لقب [بد] خواند، لقب داد	زشت، ناپسند	عیب جویی کرد، عیب دار کرد، عیب گرفت	



أُولَئِكَ ≠ هُؤلَاء آنان ≠ اینان	بَعْدٌ ≠ قَبْلٌ پس ≠ پیش	نِسَاءٌ ≠ رِجَالٌ زنان ≠ مردان	كَثِيرٌ ≠ قَلِيلٌ بسیار، زیاد ≠ کم	اجْتَنِبُوا ≠ افْتَرِبُوا بپرهیزید ≠ نزدیک شوید
خَفِيٌّ ≠ ظَاهِرٌ، مُبِينٌ پنهان ≠ آشکار	نَبْتَعِدُ ≠ نَقْتَرِبُ دورمی‌شویم ≠ نزدیک می‌شویم	مَيْتٌ ≠ حَيٌّ مرده ≠ زنده	أَخٌ ≠ أُخْتٌ برادر ≠ خواهر	أَحَدٌ ≠ جَمِيعٌ یکی ≠ همه
أَقْلَى ≠ أَكْثَرٌ کم‌تر ≠ بیش‌تر	أَغْلَى ≠ أَرْحَصٌ گران‌تر ≠ ارزان‌تر	يَنْهَىٰ ≠ يَأْمُرُ نهی می‌کند ≠ دستور می‌دهد	قَطْعٌ ≠ وَضْلٌ بریدن ≠ پیوند خوردن	قَبِيحَةٌ ≠ جَمِيلَةٌ زشت ≠ زیبا
غَالِيَةٌ ≠ زَيْخَةٌ گران ≠ ارزان	قَدِيمٌ ≠ جَدِيدٌ، بَدِيعٌ قدیم ≠ جدید، نو	أَكْبَرٌ ≠ أَصْغَرٌ بزرگ‌تر ≠ کوچک‌تر	قَمِيصٌ ≠ فُسْتَانٌ پیراهن مردانه ≠ پیراهن زنانه	كَبِيرٌ ≠ صَغِيرٌ بزرگ‌تر ≠ کوچک‌تر
	أَحَلٌ ≠ حَرَمٌ حلال کرد ≠ حرام کرد	مَشْرِقٌ ≠ مَغْرِبٌ شرق ≠ غرب	زَائِدٌ ≠ نَاقِصٌ به‌اضافه ≠ منهای	أَبْيَضٌ ≠ أَسْوَدٌ سفید ≠ سیاه
حَسَنٌ: خُوب أَحْسَنٌ: بَهْرَم	أَغْلَىٰ: بلندتر، بلندترین أَغْلَىٰ: گران‌تر، گران‌ترین	ذَهَبٌ: رفت ذَهَبٌ: طلا	تَابٌ: توبه کرد إِغْتَابٌ: غیبت کرد	غَافِرٌ: آمرزنده غَفَارٌ: بسیار آمرزنده
		سَايِرٌ: پوشاننده شَتَارٌ: بسیار پوشاننده	سَاءٌ: بد شد سَوْءٌ: بد	مَطْلَعٌ: رستوران مَطْبَخٌ: آشپزخانه مَطَبَعَةٌ: چاپخانه
أَسْرَارٌ ← سِرَّ راز	أَسْمَاءٌ ← إِسْمٌ نام، اسم	عَيْبٌ ← عَيْبٌ عیب	الْقَابٌ ← لَقَبٌ لقب	أَنْفُسٌ ← نَفْسٌ خود
لَحْومٌ ← لَحْمٌ گوشت	أَسْبَابٌ ← سَبَبٌ علت	أَخْلَاقٌ ← حُلْقٌ اخلاق	ذُنُوبٌ ← ذَنَبٌ گناه	كَبَائِرٌ ← كَبِيرَةٌ بزرگ
عِبَادٌ ← عَبْدٌ بنده	أَحَادِيثٌ ← حَدِيثٌ حدیث	أَفْضَلٌ ← أَفْصَلٌ بهتر، برتر	جِبالٌ ← جَبَلٌ کوه	أَمْوَاتٌ، مَؤْتَمِيَّةٌ ← مَيْتٌ مرده
تَمَارِينٌ ← تَمْرِينٌ تمرین	سَرَاوِيلٌ ← سِرْوَالٌ شلوار	فَسَاتِينٌ ← فُسْتَانٌ لباس	أَسْعَارٌ ← سِعْرٌ قیمت	مَلَابِسٌ ← مَلَبَسٌ لباس
مَوَازِينٌ ← مِيزَانٌ ترازو	حَطَاطِيَا ← حَطَيْيَةٌ خطا، اشتیاه	عَيْبٌ ← عَيْبٌ نهان	تَرَاكِيبٌ ← تَرْكِيبٌ ترکیب	أَفْعَالٌ ← فِعْلٌ فعل

كلمات مشابه

جمع مکسر

□ عَيْنِ الصَّحِيحَ وَ الْخَطَأً حَسَبَ نَصَ الْرَّوْسِ. (درست و غلط را بر حسب متن درس مشخص کن). ✓ ✗

- ✗ ۱- سَمَّى بَعْضُ الْمُفَسَّرِينَ سُورَةَ الْحُجَّاجَاتِ بِعَرَوْسِ الْقُرْآنِ. (برخی از مفسران سوره حجرات را عروس قرآن نامیدند).
- ✗ ۲- حَرَمَ اللَّهُ فِي هَاتَيْنِ الْأَيْتَيْنِ الإِسْتَهْزَاءُ وَ الْغَيْبَةُ فَقَطُّ. (خدا در این دو آیه، فقط ریشخند کردن و غیبت را حرام کرد).
- ✓ ۳- الْغَيْبَةُ هِيَ أَنْ تَدْكُرَ أَخَاهُ وَ أَخْتَهُ بِمَا يَكْرَهُانِي. (غیبت همان است که برادرت و خواهرت را به آن‌چه ناپسند می‌دارند، یاد کنی).
- ✓ ۴- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَا النَّاسَ عَنِ السُّخْرَةِ مِنَ الْأَخْرَيْنِ. (همانا خداوند مردم را از مسخره کردن دیگران نهی می‌کند).
- ✗ ۵- الْسَّعْيُ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْأَخْرَيْنِ أَمْ جَمِيلٌ. (تلاش برای شناختن رازهای دیگران کاری زیاست).

قواعد

اسم التَّفْضِيلِ وَ الْاسْمُ الْمَكَانِ

اسم تفضيل

من از مریم بزرگتر هستم!

دوستم باهوش‌ترین دانش‌آموز کلاس است!

به کلماتی مانند «بزرگ‌تر، باهوش‌ترین، بهتر، خوب‌ترین و ...» در زبان فارسی، «صفت برتر» و «صفت برترین» می‌گوییم. معادل «صفت برتر» یا «صفت برترین» در زبان عربی، اسم تفضیل است که مفهوم برتری دارد و بر وزن «أَفْعَلٌ» می‌آید.

مثال

کَبِيرٌ: بزرگ ← اسم تفضیل ← أَكْبَرٌ: بزرگ‌تر، بزرگ‌ترین

حَسَنٌ: خوب ← اسم تفضیل ← أَحْسَنٌ: خوب‌تر، خوب‌ترین

صَغِيرٌ: کوچک ← اسم تفضیل ← أَصْغَرٌ: کوچک‌تر، کوچک‌ترین

جَمِيلٌ: زیبا ← اسم تفضیل ← أَجْمَلٌ: زیباتر، زیباترین
در ترکیبات زیر با اسم تفضیل، دو کلمه مقایسه شده‌اند.

۱ آسیا أَكْبَرٌ مِنْ أوروبا.

۲ آسیا أَكْبَرٌ فَارَاتِ الْعَالَمِ.

۳ آسیا أَكْبَرٌ فَارَةٌ فِي الْعَالَمِ.

* چه تفاوتی در ترجمه اسم تفضیل «أَكْبَرٌ» در این سه عبارت می‌بینید؟

اگر دقت کنید، متوجه می‌شوید که در مثال اول، اسم تفضیل «أَكْبَرٌ» به صورت «صفت برتر» ترجمه شده (بزرگ‌تر) و در مثال دوم و سوم به صورت «صفت برترین» (بزرگ‌ترین) ترجمه شده است.

نکته هرگاه پس از اسم تفضیل حرف جز «مِنْ» بباید (أَفْعَلٌ مِنْ ...)، در ترجمه معنای «برتر» دارد و از «صفت برتر» استفاده می‌کنیم و هرگاه

اسم تفضیل مضاف واقع شود، باید به صورت «صفت برترین» ترجمه شود.

هذا أَكْبَرٌ مِنْ ذَاكَ. (این از آن بزرگ‌تر است).

سورة الْبَقَرَةِ أَكْبَرُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ. (سوره بقره بزرگ‌ترین سوره در قرآن است).

تمرین

□ تَرْجِيمُ الْعَبَاراتِ التَّالِيَةَ. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

۱- ایران أَكْبَرُ بَلِدٍ فِي الْمَنْطَقَةِ!

۲- فاطمه أَكْبَرُ مِنْ رَمِيلَتِها!

۳- آسیا أَجْمَلُ الْفَارَاتِ!

۴- حسین أَخْسَنُ طَالِبٍ فِي الْمَدْرَسَةِ!

پاسخ

۱- ایران بزرگ‌ترین کشور در منطقه است! (اسم تفضیل مضاف واقع شده است.)

۲- فاطمه از هم‌شاگردی اش بزرگ‌تر است! (اسم تفضیل با حرف جز «مِنْ» آمده است.)

۳- آسیا زیباترین قاره‌هاست! (اسم تفضیل مضاف واقع شده است.)

۴- حسین بهترین دانش‌آموز در مدرسه است! (اسم تفضیل مضاف واقع شده است.)

* گاهی اسم تفضیل به این شکل‌ها می‌آید:

أَحَبٌ: محبوب‌تر، محبوب‌ترین

أَدْقَى: دقیق‌تر، دقیق‌ترین

أَغْلَى: گران‌تر، گران‌ترین

أَقْلَى: کم‌تر، کم‌ترین

أَعْلَى: بلندتر، بلندترین

أَشَدَّ: سخت‌تر، سخت‌ترین



مثال

- کوه دماوند **بلندتر از کوه** دناست.
 کوه دماوند **بلندترین کوههای** ایران است.
 کوه دماوند **بلندترین کوه** در ایران است.

نکته مؤنث اسم تفضیل بر وزن «**فعلی**» می‌آید.

مثال

- زَيْبُ الصَّغْرِي (زینب کوچکتر)
فاطِمَةُ الْكَبِيرِ (فاطمه بزرگتر)
كُبْرِيٰ - صُغْرِيٰ - حُسْنَيٰ ...

نکات

- ۱ وقتی بخواهیم اسم تفضیل را در حالت مقایسه میان دو اسم مؤنث قرار دهیم، معمولاً از همان وزن «**أَفْعَل**» استفاده می‌کنیم.

مثال فاطمه **أَكْبَرٌ** مِنْ زینب. (فاطمه بزرگتر از زینب است).

- زمیلتی **أَنْجَحٌ** مِنْ اختی مریم. (همشادردی ام از خواهرم مریم **مُوقَّت** است).

- ۲ غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «**أَفْاعِل**» است.

مثال إذا مَلَكَ الْأَرْذَلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ. (هرگاه **فرومایگان** به فرمانروایی برسند، **شاپرکان** هلاک می‌شوند).

أَرْذَلُ ← أَرْذَلُ أَفْضَلُ ← أَفْضَلُ

- ۳ اسم تفضیل می‌تواند به هر یک از ضمایر (له، بهم، ...، نا) اضافه شود: «أَفْلَكُمْ، أَحْسَنَهُمْ، أَشَدُهُا، ...»

مثال **أَفْضَلُ النَّاسِ أَنْعَهُمُ لِلنَّاسِ**: (بهترین مردم سودمندترینشان برای مردم است).

إختبار نفسك (خودت را امتحان کن)

ترجم الأحاديث التالية، ثم ضع خطأ تحت ا Shim التفضيل. (حدیث‌های زیر را ترجمه کن، سپس یک خط زیر اسم تفضیل پگذار.)

- ۱- **أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ**. رسول الله ﷺ اسم تفضیل

داناترین مردم، کسی است که علم مردم را به علم خود افروز (بیفزاید).

رسول الله ﷺ اسم تفضیل

- ۲- **أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْعَهُمُ لِعِبَادِهِ**. رسول الله ﷺ اسم تفضیل

محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترینشان برای بندگانش است.

رسول الله ﷺ اسم تفضیل

- ۳- **أَفْضُلُ الْأَعْمَالِ الْكَثِيرُ مِنَ الْخَلَالِ**. رسول الله ﷺ اسم تفضیل

بهترین کارها کسب حلال است.

رسول الله ﷺ اسم تفضیل

خَيْر و شَر

کلمه «**خَيْر**» به معنای «خوبی» و کلمه «**شَر**» به معنای «بدی» است. این دو کلمه می‌توانند به معنای اسم تفضیل نیز بیانند.

نکته در چه صورت دو کلمه «**خَيْر**» و «**شَر**» می‌توانند اسم تفضیل باشند:

- ۱) معمولاً بعد از این دو کلمه حرف **جَزْ** «**مِنْ**» می‌آید.

ساعتی اندیشیدن **بَهْرَة** از عبادت هفتاد سال است.

رسول الله ﷺ اسم تفضیل

- ۲) هرگاه این دو کلمه **مضاف** واقع شوند.

شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ. أمیر المؤمنین علیؑ بدترین مردم کسی است که پاییند به امانت نباشد و از خیانت دوری نکند.

خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. أمیر المؤمنین علیؑ

بهترین کارها میانه‌ترین آن‌هاست.

به سوی بهترین کار بشتاب.

حَيَّا عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ

تمرین

- ترجم کلمه «خیر» فی العبارات التالية ثم عین اسم التفضیل. (کلمه «خیر» را در عبارت‌های زیر ترجمه کن سپس اسم تفضیل را مشخص کن.)
- ۱- خیر الامور انفعها للناس. ۲- الحَيْرُ فِي مَا وَقَعَ. ۳- الْعَدُوُ الْعَاقِلُ خَيْرٌ مِنَ الصَّدِيقِ الْجَاهِلِ.

پاسخ

- ۱- بهترین - اسم تفضیل ۲- خوبی ۳- بهتر از - اسم تفضیل

اختبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن)

ترجم العبارات التالية. (عبارت‌های زیر را ترجمه کن.)

۱- (رَبَّنَا آمَنَا فَاغْفِرْ لَنَا وَإِذْحَمْنَا وَأَتَّ خَيْرُ الزَّاهِمِينَ) المؤمنون: ۱۰۹

... پروردگار، ایمان آور دیم پس ما را بیامز و به ما رحم کن و تو بهترین رحم‌کنندگان هستی.

۲- خَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عَيْوَبَكُمْ. رسول الله ﷺ

بهترین برادران‌تان کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد (کند).

۳- (لَيْلَةُ الْقُدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ) القدر: ۳

شب قدر بهتر از هزار ماه است.

۴- مَنْ غَلَبَثْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرُّ مِنَ الْبَهَائِمِ. أمير المؤمنین علیه السلام

هر کس شهوتش بر عقلش چیزه شد (شود) پس او بدتر از چارپایان است.

۵- شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهَيْنِ.

بدترین مردم دارای دو رو (منافق) است.

اسم مکان

به تمام کلماتی که بر جا و مکان دلالت می‌کنند، در زبان فارسی اسم‌های مکان می‌گوییم، ولی در زبان عربی به کلمه‌ای اسم مکان گفته می‌شود که بر وزن‌های زیر باید:

مَفْعُل ← مَلْعَب (ورزشگاه) - مَطْعَم (رستوران، غذاخوری) - مَصْنَع (کارخانه) - مَطْبَخ (آشپزخانه) - مَخْرَن (انبار)

مَفْعِل ← مَوْقِف (ایستگاه) - مَنْزِل (خانه) - مَجْلِس (مجلس) - مَحْفِل (انجمن)

مَغْلَة ← مَكْتَبَة (کتابخانه) - مَطْبَعَة (چاپخانه) - مَدْرَسَة (مدرسه) - مَحْفَظَة (چمدان، کیف)

* جمع اسم مکان بر وزن «مَفْاعِل» می‌آید:

مثال

مَلَعِب ← مَلَعِب (ورزشگاه‌ها) / مَجَالِس ← مَجَالِس (مجلس‌ها) / مَطَعَم ← مَطَعَم (رستوران‌ها)

مَنْزِل ← مَنْازِل (خانه‌ها) / مَكْتَب ← مَكْتَب (کتابخانه‌ها) / مَصْنَع ← مَصْنَع (کارخانه‌ها) / مَدْرَسَة ← مَدْرَسَة (مدرسه‌ها)

اختبِرْ نَفْسَكَ (خودت را امتحان کن)

ترجم الآية و العبارة، ثم عین اسم المكان و اسم التفضیل. (آیه و عبارت را ترجمه کن، سپس اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

۱- (وَ جَادِلُهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمِنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ...) الحل: ۱۲۵

اسم تفضیل اسم تفضیل

... و با آنان به رویی که آن نیکوتر است گفت و گو [ستیز] کن به راستی پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد، آگاه‌تر است.

۲- كائِنْ مَكْتَبَةً «جُنْدي سابور» في خوزستان أَكْبَرَ مَكْتَبَةً في الْعَالَمِ الْقَدِيمِ.

اسم مکان اسم تفضیل اسم مکان

کتابخانه جندی شاپور در خوزستان بزرگ‌ترین کتابخانه در جهان قدیم است.

مکالمہ

چوار (فی سوق مشهد) گفت و گو (در بازار مشهد)

بائِعُ الْمَلَإِسِ (فروشنده لباس‌ها)	الْأَرَائِهُ الْعَرَبِيَّةُ (زائر عرب)
عَلَيْكُمُ السَّلَامُ، مَرَحْبًا بِكِ. (سلام بر شما، خوش‌آمدی.)	سَلَامٌ عَلَيْكُمْ. (سلام بر شما)
سِتَّونَ أَلْفَ تومان. (شصت هزار تومان)	كَمْ سَعْ هَذَا الْقَمِصِ الرَّجَالِيُّ؟ (قیمت این پیراهن مردانه چند است؟)
عِنْدَنَا يَسْعُرُ حَمْسِينَ أَلْفَ تومان. تَفَصِّلَيِ الْأَنْظُرُ. (به قیمت پنجاه هزار تومان داریم. بفرما نگاه کن.)	أَرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا. هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَّةُ. (ارزان‌تر از این می‌خواهم. این قیمت‌ها گران است.)
أَبْيَضُ وَ أَسْوَدُ وَ أَرْزَقُ وَ أَحْمَرُ وَ أَصْفَرُ وَ بَنَفَسْجَيُ. (سفید و سیاه و آبی و قرمز و زرد و بنفش)	أَئِ لَوْنٍ عِنْدَكُمْ؟ (چه رنگی دارید؟)
تَبَدِّلُ الْأَسْعَارُ مِنْ حَمْسَةٍ وَ سَبْعِينَ أَلْفًا إِلَى حَمْسَةٍ وَ تَمَانِينَ أَلْفَ تومان. (قیمت‌ها از هفتاد و پنج هزار [تومان] و هشتاد و پنج هزار تومان شروع می‌شود.)	بِكَمْ تومان هَذِهِ الْقَسَاتِيَّنْ؟ (این پیراهن‌های زنانه چند تومان است؟)
سَيِّدَتِي، يَخْتَلِفُ السَّغْرُ حَسْبُ التَّوْعِيَاتِ. (خانم، قیمت بر اساس (طبق) جنس‌ها فرق می‌کند.)	الْأَسْعَارُ غَالِيَّاً (قیمت‌ها گران است.)
الشَّرْوَالُ الرَّجَالِيُّ يَتَسْعَيْنَ أَلْفَ تومان، وَ الشَّرْوَالُ النِّسَائِيُّ يَخْمَسَةُ وَ تِسْعِينَ أَلْفَ تومان. (شلوار مردانه نود هزار تومان و شلوار زنانه نود و پنج هزار تومان.)	بِكَمْ تومان هَذِهِ الشَّرَاوِيلُ؟ (این شلوارها چند تومان است؟)
ذُلِكَ مَتْجَرُ زَمِيلِيِّ، لَهُ سَرَاوِيلُ أَفْضَلُ. (آن مغازه همکارم است، او شلوارهای بهتری دارد.)	أَرِيدُ سَرَاوِيلَ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ.
فِي مَتَجِرِ زَمِيلِيِّ... (در مغازه همکارش ...)	شلوارهایی بهتر از این‌ها می‌خواهم.)
صَارَ الْمُبْلَغُ مِتَّيْنِ وَ تَلَاثَيْنَ أَلْفَ تومان. أُعْطِيَنِي بَعْدَ التَّخْفِيفِ مِتَّيْنِ وَ عِشْرِينَ أَلْفًا. (قیمت دویست و سی هزار تومان شد. بعد از تخفیف، دویست و بیست هزار [تومان]، به من بدہ.)	رِجَاءً، أَعْطِنِي سِرَاوِالًا مِنْ هَذَا التَّوْعِ وَ ... كَمْ صَارَ الْمُبْلَغُ؟ (لطفاً، شلواری از این نوع (جنس) به من بدہ و ... قیمت چقدر شد؟)

تمارین کتاب درسی

الْتَّمْرِينُ الْأَوَّلُ:

- ١- جمعه حرام: (آن را حرام فرار داد.)

٢- الَّذِي لَيْسَ حَيَاً: (کسی که زنده نیست.)

٣- الَّذِنُوبُ الْكَبِيرَةُ: (گناهان بزرگ.)

٤- الَّذِي يَقْبُلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ: (کسی که توبه را از بندگانش قبول می‌کند.)

٥- تَسْمِيَةُ الْأَخَرِينَ بِالْأَسْمَاءِ الْقَبِيْحَةِ: (نامیدن دیگران با نام‌های زشت.)

٦- ذَكْرُ مَا لَا يَعْرِضُنَّ يَهُ الْآخِرُونَ فِي غَيَابِهِمْ: (آن چه دیگران در نبودنشان به آن راضی نمی‌شوند را یاد کرد.)

الثُّمُرِينَ الثَّانِيَ: تَرْجِمَ هَذِهِ الْأَحَادِيثُ النَّبِيَّةُ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ. (این احادیث نبوی را ترجمه کن، سپس [آنچه] خواسته شده از تو را مشخص کن.)

۱- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ. (الْمُبَتَدَأُ وَ الْخَبَرُ)
مبتداً خبر

خوش‌اخلاقی نیمی از دین است.

۲- مَنْ سَاءَ عُلْقَهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. (المفعول)
مفعول

هر کس اخلاقش بد باشد، خودش را عذاب می‌دهد.

۳- إِنَّمَا يُعَذَّبُ لَا تَمَمَ مَكَارِمُ الْأَخْلَاقِ. (الْفَعْلُ الْمَاضِيُّ الْمَجْهُولُ وَ الْمَفْعُولُ)
 فعل ماضی مجھول مفعول

فقط فرستاده شدم (میعوثر شدم) تا صفات برتر اخلاقی را کامل کنم.

۴- اللَّهُمَّ كَمَا حَسِنْتَ خَلْقِي، فَحَسِنْ خَلْقِي. (الْفَعْلُ الْمَاضِيُّ وَ فَعْلُ الْأَمْرِ)
 فعل ماضی فعل امر

خدایا همان‌گونه که آفرینش مرا نیکوگردانیدی، پس اخلاق مرا نیکوگردان.

۵- لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ. (الْإِسْمُ التَّفَضِيلِ وَ الْجَازَ وَ الْمَجْرُورِ)
اسم تفضیل جارو مجرور جارو مجرور

چیزی سنگین تر از اخلاق نیک در ترازو [ای اعمال] نیست.

الثُّمُرِينَ الثَّالِثَ: تَرْجِمَ الْأَفْعَالِ وَ الْمُصَادِرِ التَّالِيَةِ. (فعلها و مصدرهای زیر را ترجمه کن)

المصدر	الامر و النهي	المضارع	الماضي
إحسان: نیکی کردن	أَحْسِنْ: نیکی کن	يَحْسِنْ: نیکی می‌کند	قَدْ أَحْسَنَ: نیکی کرده است
إقتراض: نزدیک شدن	لَا تَقْتَرِبُوا: نزدیک نشوید	يَقْتَرِبُونَ: نزدیک می‌شوند	إِقْتَرَبَ: نزدیک شد
إنكسار: شکسته شدن	لَا تَنْكِسُوا: شکسته نشو	سَيَنْكِسُوا: شکسته خواهد شد	إِنْكَسَرَ: شکسته شد
استغفار: آمرش خواستن	إِسْتَغْفِرُوا: آمرش بخواه	يَسْتَغْفِرُوا: آمرش می‌خواست	إِسْتَغْفَرَ: آمرش خواست
مسافرة: سفر کردن	لَا يَسَافِرُوا: سفر نکن	لَا يَسَافِرُوا: سفر نمی‌کند	ما سافرت: سفر نکردم
تعلم: یاد گرفتن	تَعْلَمُوا: یاد بگیر	يَتَعَلَّمُونَ: یاد می‌گیرند	تَعَلَّمَ: یاد گرفت
تبادر: عوض کردن	لَا تَبَادِلُوا: عوض نکنید	تَبَادِلُوا: عوض می‌کنید	تَبَادَلْتُمْ: عوض کردید
تعلیم: آموزش دادن	عَلَمُوا: آموزش بده	سَوْفَ يَعْلَمُوا: آموزش خواهد داد	قَدْ عَلِمَ: آموزش داده است

الثُّمُرِينَ الرَّابِعَ: أَكْتَبِ الْعَمَلِيَاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ كَالْمِثَالِ. (معادلات ریاضی زیر را مانند نمونه بنویس.)

$$10 + 4 = 14$$

۱- عَشَرَةُ زَادَ أَرْبَعَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ عَشَرَ.

(ده بهاضفة چهار مساوی است با چهارده).

$$100 \div 2 = 50$$

۲- مِنْهُ تَقْسِيمٌ عَلَى الْتَّيْنِ يُسَاوِي خَمْسِينَ.

(صد تقسیم بر دو مساوی است با پنجاه).

$$8 \times 3 = 24$$

۳- ثَمَانِيَّةٌ فِي ثَلَاثَةٍ يُسَاوِي أَرْبَعَةَ وَ عَشْرِينَ.

(هشت ضرب در سه مساوی است با بیست و چهار).

$$76 - 11 = 65$$

۴- سِتَّةٌ وَ سَبْعُونَ ناقِصٌ أَحَدٌ عَشَرٌ يُسَاوِي خَمْسِينَ وَ سِتَّينَ.

(هفتاد و شش منهای یازده مساوی است با شصت و پنج).



الْتَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنُ الْمَحَلِ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

(نقش کلمات رنگی را مشخص کن.)

- ۱- فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ^{۲۶} الفتح: ۲۶
 (پس خداوند آرامشش را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد. (نازل کرد.))
 مفعول مجرور به حرف جر

- ۲- (لَا يُكَفُّ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا)^{۲۸۶} البقرة: ۲۸۶
 (خدا به کسی جز به اندازه توانش تکلیف نمی دهد.)
 مفعول مجرور به حرف جر

- ۳- الْسُّكُوتُ ذَهَبٌ وَ الْكَلَامُ فِصْنَةٌ.
- رسول الله ﷺ مبندا خبر
 (سکوت طلا و سخن گفتن نقره است.)

- ۴- أَحَبُّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَقُهُمْ عِبَادَهُ.
- رسول الله ﷺ مبندا مضاف اليه مجرور خبر
 (محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خداوند سودمندترین آن‌ها برای بندگانش است.)
 به حرف جر

- ۵- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ حَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.
- أمير المؤمنین علیه السلام (دشمنی عاقل بهتر از دوستی نادان است.)
 مبندا خبر مجرور به حرف جر

الْتَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِيمُ التَّرَاكِيبِ وَالْجُمُلِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ عَيْنُ اسْمِ الْفَاعِلِ وَاسْمِ الْمَفْعُولِ، وَاسْمِ الْمَكَانِ، وَاسْمِ التَّفْضِيلِ.

(ترکیب‌ها و جمله‌های زیر را ترجمه کن، سپس اسم فاعل و اسم مفعول، و اسم مبالغه، و اسم مکان و اسم تفضیل را مشخص کن.)

- ۱- (رُبُّ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ): آللُّشْرَاء: ۲۸
 پروردگار مشرق و غرب

- ۲- يَا مَنْ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ:
 ای کسی که نیکوکاران را دوست دارد.

- ۳- يَا أَرْحَمُ الرَّاجِحِينَ:
 ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان. (ای مهریان ترین مهریانان)

- ۴- يَا سَاطِرُ كُلِّ مَعْيُوبِ:
 ای پوشاننده هر عیب‌داری.

- ۵- يَا غَفَارُ الذُّنُوبِ:
 ای بسیار آمرزندۀ گناهان.

الْبَحْثُ الْعُلْمِيُّ (بِزُوهَشِ عِلْمِيٍّ)

إِسْتَخْرَجْ حَمْسَةً أَسْمَاءً تَفْضِيلٍ مِنْ دُعَاءِ الْإِفْتِتاحِ.

(پنج اسم تفضیل از دعای افتتاح استخراج کن.)

سوالات امتحانی درس

مهارت واژه‌شناسی

- الف** ترجم الكلمات التي تتحتها خطٌ: (كلماتی که زیرش خط است را ترجمه کن.)
- ۹- أَيُّحِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا؟ / ۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ...» /
 ۱۰- لَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَ لَا تَنَازِلُوا بِالْأَقْبَابِ! / ۲- يَسْنَ الْإِسْمُ التَّسْوِيقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ، /
 ۱۱- إِنَّ اللَّهَ تَوَابُ رَحِيمٌ / ۳- إِجْتَنَبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِنَّمَا /
 ۱۲- لَا تَذَرُّ عِيوبَ الْآخَرِينَ، سُوءُ الظَّنِّ وَ التَّجَسُّسُ مِنَ الْأَخْلَاقِ الْسَّيِّئَةِ. / ۴- الْإِشْتَهِرَةُ بِالْآخَرِينَ، سُوءُ الظَّنِّ وَ التَّجَسُّسُ مِنَ الْأَخْلَاقِ الْسَّيِّئَةِ. /
 ۱۳- عَلَيْنَا أَنْ تَبَعَّدَ عَنِ الْعَجْبِ! / ۵- الْعَيْبَةُ هِيَ مِنْ أَهْمَمِ أَسْبَابِ قَطْعِ الْوَ�صِلِ بَيْنَ النَّاسِ. /
 ۱۴- لَا تُلْقِبُوا النَّاسَ بِالْأَقْبَابِ يَكْرَهُونَهَا! / ۶- كَمْ سِعْرُ هَذَا الْقَمِيصِ الرَّجَالِيِّ؟ /
 ۱۵- الْمُحاوَلَةُ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِصَحْجَهُمْ مِنْ كَيْاَرِ الذُّنُوبِ! / ۷- أَعْطَيْنِي بَعْدَ الْحَقْفِيسِ مَتَّيْنِ وَ عَشْرِينَ أَلْفًا. /
 ۱۶- ذَلِكَ مَتْحُورٌ رَّمِيلِيٌّ. / ۸- مَنْ سَاءَ حُلْقَهُ عَذَّبَ نَفْسَهُ. /

ب اکتب فی الفراغات المترادف و المتنضاد: (درجاهای خالی مترادف و متنضاد را بنویس.)

اجتهاد - ذَنْب - أَسْوَد - أَكْثَر - غَالِيَة - مُبْيِن - زُبَّامَا - وَصْل - الدَّنُوبُ الْكَبِيرَةُ - نَاقِصٌ

-۱۷

..... مُحاوَلَة = أَقْلَ = كَبَائِر = إِنْم = زَائِد ≠
..... خَفِي ≠ قَطْع ≠ أَبِيَض ≠ عَسِي = رَحِيقَة ≠

ج عَيْنِ الْكَلْمَةِ الَّتِي لَا تَنَاسِبُ الْكَلْمَاتِ الْأُخْرَى فِي الْمَعْنَى: (کلمه‌ای که با کلمات دیگر در معنا تناسب ندارد را مشخص کن.)

<input type="checkbox"/> ذئب	<input type="checkbox"/> خطيبة	<input type="checkbox"/> إنم	<input type="checkbox"/> ذَنْب
<input type="checkbox"/> أحمر	<input type="checkbox"/> أسود	<input type="checkbox"/> أحسن	<input type="checkbox"/> أَبِيَض
<input type="checkbox"/> بستان	<input type="checkbox"/> قميص	<input type="checkbox"/> فستان	<input type="checkbox"/> سِروال
<input type="checkbox"/> التَّوَاصُل	<input type="checkbox"/> سوء الظن	<input type="checkbox"/> التَّجَسُّس	<input type="checkbox"/> الْإِشْتِهَراء
<input type="checkbox"/> دينا	<input type="checkbox"/> إمريكا	<input type="checkbox"/> أوروبا	<input type="checkbox"/> آسيا

د اکتب مفرد او جمع الكلمات التالية: (مفرد یا جمع کلمات زیر را بنویس.)

-۲۳

..... حَاطِينَة:..... أَرَادِل:..... كَبِيرَة:..... أَلقَاب:.....
..... سِعْرَ:..... لُحُوم:..... أَخَ:..... أَفَاضِل:.....
..... مَطْعَم:..... مِيزَان:..... مَيْتَ:..... بَهَائِمَ:.....

مهارت ترجمه به فارسی

ه تَرْجِمُ الْعِبَاراتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارِسِيَّةَ: (عبارت‌های زیر را به فارسی ترجمه کن.)

۲۴- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَبِنَا كَثِيرًا مِّنَ الظُّنُنِ إِنَّ بَعْضَ الظُّنُنِ إِنْمٌ»

۲۵- «لَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَ لَا تَنْتَبِرُوا بِالْأَقْبَابِ يَئِسَ النَّفْسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ»

۲۶- «لَا تَجَسِّسُوا وَ لَا يَغْتَبُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا»

۲۷- عَيْنَا أَنْ نَبْعِدَ عَنِ النَّجْبِ وَ أَنْ لَا نَذْكُرْ عَيْبَ الْآخَرِينَ بِكَلَامٍ حَفِيٍّ أَوْ بِإِشَارَةٍ

۲۸- أَيُّهَا الطَّلَابُ، لَا تَعْبِبُوا الْآخَرِينَ وَ لَا تَنْقِيُوهُمْ بِالْأَقْبَابِ يَكْرَهُوهُنَّا.

۲۹- يَئِسَ الْعَمَلُ الْفَسُوقُ وَ مَنْ يَفْعُلُ ذَلِكَ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ.

۳۰- التَّجَسُّسُ وَ هُوَ مُحاوَلَةٌ قَبِيحةٌ لِكَشْفِ أَسْرَارِ النَّاسِ لِضَجْعِهِمْ.

۳۱- الْعَيْبَةُ وَ هِيَ مِنْ أَهَمِّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاضُلِ بَيْنَ النَّاسِ.

۳۲- إِنَّ اللَّهَ يَنْهَا النَّاسَ عَنِ السُّخْرِيَّةِ مِنَ الْآخَرِينَ.

۳۳- جَبْلُ دَمَاؤنْدَ أَعْلَى جَبَلِ إِرَانِ وَ آسِيَا أَكْبَرُ قَارَاتِ الْعَالَمِ.

۳۴- أَعْلَمُ النَّاسِ، مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ.

۳۵- مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ.

۳۶- أَعْطَنِي سِرُوا لاً مِنْ هَذَا التَّوْعَ بَعْدَ التَّخْفِيفِ.

۳۷- «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»

۳۸- حَيَّ عَلَى حَيْرِ الْعَمَلِ.

۳۹- شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَ لَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ.

۴۰- يَخْتَلِفُ السَّعْرُ حَسْبُ الْتَّوْعِيَاتِ.

۴۱- عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ حَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.

۴۲- اللَّهُ هُوَ الَّذِي يَقْبِلُ التَّوْبَةَ عَنِ عَبَادِهِ.



و إِنْتَخِبِ التَّرْجِمَةَ الصَّحِيحةَ: (ترجمةٌ صحيحةٌ راًنتخاب كـن).

٤٣- «... وَ جَادِلُهُم بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ انْرَيْكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ صَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ...»

۱) ... و با آنان به راه و روشی که بهترین است سیز کرد به راستی که پروردگار به کسی که از راهش گمراه شد آگاهتر است. ۲) ... و با آنان به روشی که بهتر است سیز کن همانا پروردگارت به کسی که از راهش گمراه شد آگاهتر است.

٤٤- اللَّهُمَّ كَمَا حَسِنَتْ خَلْقِي، فَحَسِنْ خَلْقِي.

۱) خدایا همان طور که آفرینش مرا نیکو گردانیدی، پس اخلاق مرا نیکو گردان. ۲) خدایا همان گونه که اخلاق مرا نیکو گرداندی، پس آفرینش مرا نیز نیکو گردان.

٤٥- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ أَنْفَعَهُمْ لِعِبَادِهِ.

۱) بندگان محیوب خداوند برای بندگانش سودمندتر هستند. ۲) محبوب ترین بندگان خدا سودمندترینشان برای بندگانش است.

٤٦- حَيْرٌ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عَيْوَبَكُمْ.

۱) کسی که عیب‌هایتان را به شما هدیه می‌کند از بهترین برادران شماست. ۲) بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کرد.

٤٧- «... رَبَّنَا آمَنَا فَاعْفُنَا لَنَا وَ ازْحَمْنَا وَ أَنْتَ حَيْرُ الرَّاجِحِينَ»

۱) پروردگار، ایمان می‌اوریم پس ما را ببخش و به ما رحم کن همانا تو بهترین رحم‌کنندگان هستی. ۲) پروردگار ما، ایمان آور دیم پس ما را بیامز و به ما رحم کن همانا تو بهترین رحم‌کنندگانی.

ز كَمْلُ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجِمَةِ الْفَارَسِيَّةِ: (جاهاي خالي را در ترجمه فارسي کامل کن.)

٤٨- لِيُسْ شَيْءٌ أَثْقَلَ فِي الْمِيزَانِ مِنْ الْخُلُقِ الْحَسَنِ.

چیزی در ترازوی اعمال از نیست.

٤٩- إِنَّمَا يُعِثُّ لِأَتَّمَّ مَكَارِمِ الْأَحَلَاقِ.

فقط تاکرامات‌های اخلاقی را

٥٠- شاهدتْ أَحْسَنَ مِنْ هَذَا الْفُسْطَنِ، أَيْ لَوْنِ عِنْدَكُمْ؟!

از این پیراهن زنانه رنگی !؟

٥١- أَرِيدُ أَرْحَصَ مِنْ هَذَا السَّرْوَالِ، هَذِهِ الْأَسْعَارُ غَالِيَةٌ.

از این شلوار این

ح تَرْجِمَ الشَّرَائِيبِ التَّالِيَّةِ: (ترکیب‌های زیر را ترجمه کن.)

٥٢- يَا مَنْ يُحِبُّ الصَّالِحِينَ: يَا خَيْرَ الرَّاجِقِينَ:

٥٣- أَنْتَ حَيْرُ الرَّاجِحِينَ: يَا دَافِعَ الْبَلَاءِ:

٥٤- يَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ: يَا صَانِعَ كُلِّ مَصْنَوِعٍ:

٥٥- هُوَ شَرُّ النَّاسِ: هُوَ أَعْظَمُ أَعْظَمَنِي:

ط تَرْجِمَ إِسْمَ التَّقْضِيَّةِ فِي الْعَبَارَاتِ التَّالِيَّةِ: (اسم تفضیل را در عبارات‌های زیر ترجمه کن.)

٦٠- جَبَلُ اورستِ أَعْلَى جَبَلِ الْعَالَمِ

..... العَلَمَاءُ أَفَاضِلُ النَّاسِ.

٦١- أُورُوبَا أَضْعَرُ مِنْ آسِيَا:

..... هو مِنْ خَيْرِ إِخْوَانِي:

٦٢- زَمِيلِي أَحَبُّ الزَّمَلَاءِ فِي الْمَدْرَسَةِ:

..... أَذْكُرُ أَكْبَرَ سُورَةِ فِي الْقُرْآنِ:



مهارت شناخت و کاربرد قواعد

۱) عین نوع الأفعال التالية ثم ترجمتها: (نوع فعل های زیر را مشخص کن، سپس آن ها را ترجمه کن.)

-۶۶

لا تَسْخِرْ:	/	إِجْتَنِبُوا:	/
فَدَكَرْهُمْ:	/	سَيِّحِبُ:	/
لَا نَذْكُرْ:	/	إِتَّقُوا:	/
تَعَلَّمُونَ:	/	تَصَحَّنُنا:	/
كَانَ يَسْتَعْفِرْ:	/	يَعْلَمُنَ:	/

ک) عین ما طلب منك: (آن چه از تو خواسته شده را بنویس.)

-۶۷- ذلك متجر زميلي و له ملابس أرخص. (اسم المكان / اسم التفضيل): /

-۶۸- انقوا الله إن الله تواب رحيم (اسم المبالغة):

-۶۹- كتابي في مكتبتنا من أنفع الكتب. (اسم المكان / اسم التفضيل): /

-۷۰- «وَ جَادِلُهُم بِالَّتِي هِي أَحْسَنَ إِنْ رَبَّكَ هُو أَعْلَمُ بِمِنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ ...» (اسم التفضيل / فعل الأمر): /

-۷۱- «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (اسم الفاعل):

ل) عین محل الإعرابي للكلمات التي تحتها خط: (نقش کلماتی که زیرش خط است را مشخص کن.)

-۷۲- حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ: /

-۷۳- هُوَ ذَكَرٌ عِبُوبٌ الْآخِرِينَ فِي غَيْرِهِمْ: /

-۷۴- «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»: /

-۷۵- السَّعْيِ لِمَعْرِفَةِ أَسْرَارِ الْآخَرِينَ أَمْ قِبَيجُ: /

-۷۶- «لَيْلَةُ الْقُدرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»: /

م) كمل الفراغات في الجدول: (جاهای خالی را در جدول کامل کن.)

-۷۷

- وَصَلَّيْنا فِي سَفَرِنَا إِلَى مَطْعِمٍ نَظِيفٍ.

- الْغَيْبَةُ مِنْ أَهْمَّ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. فَأَتَرُّهَا.

- بَعْثَ النَّبِيِّ لِتَتَمَّمَ الْمَكَارَمُ الْأَخْلَاقِيَّةُ.

- إِجْتَنِبُوا عَنْ مَنَازِلِ ثَذَكْرٍ فِيهَا أَسْمَاءُ الْآخَرِينَ.

اسم التفضيل	اسم المكان	الصفة	فعل الأمر	الفعل المجهول
.....
.....

ن) أكتب العمليات الحسابية التالية: (عمليات رياضي زیر را بنویس.)

-۷۸- عشرون زائد عشرة يساوي ثلاثة:

-۷۹- ثلات و سنتون ناقص ثلاثين يساوي ثلاثة و ثلاثين:

-۸۰- أربعة في سبعة يساوي ثمانية وعشرين:


مهارات درك و فهم

س إنتخـب الكلمة المناسبة للتوضيـحات التالية (كلمتان زائـدان): (كلمة مناسبـ بـراـي توضيـحـات زـيرـاـ انتـخـابـ كـنـ). «دوـ كـلمـهـ اـضـافـيـ اـسـتـ».»

سوءـ الـظـنـ - فـضـحـ - الغـيـبةـ - التـجـسـسـ - تـنـاـبـ بـالـأـلـقـابـ - فـسـوقـ - مـيـتـ - إـسـتـهـزـاءـ

- ٨١- تـسمـيـةـ الآـخـرـينـ بـالـأـسـمـاءـ الـقـبـيـحةـ.
- ٨٢- السـعـيـ لـمـعـرـفـةـ أـسـرـارـ الـآـخـرـينـ:
- ٨٣- جـعـلـهـ اللـهـ حـرـاماـ:
- ٨٤- اـتـهـامـ شـخـصـ لـشـخـصـ بـدـونـ دـلـيلـ:
- ٨٥- الـذـيـ لـيـسـ حـيـاـ:
- ٨٦- ذـكـرـ ماـ لـاـ يـرـضـيـ بـهـ الـآـخـرـونـ فـيـ غـيـابـهـ:

ع عـيـنـ الجـملـةـ الصـحـيـحةـ وـغـيـرـ الصـحـيـحةـ حـسـبـ الـحـقـيقـةـ: (جملـهـ درـستـ وـغـلـطـ رـاـبـرـحـسـبـ حـقـيقـتـ مشـخـصـ كـنـ).)

- ٨٧- سـمـيـ بعضـ المـفـسـرـينـ سـوـرـةـ الـحـجـرـاتـ بـسـوـرـةـ الـأـخـلـاقـ.
- ٨٨- عـلـيـنـاـ الـاجـتـنـابـ مـنـ الـظـنـ إـنـ كـلـ الـظـنـ إـثـمـ:
- ٨٩- ذـكـرـ عـيـوبـ الـآـخـرـينـ بـكـلامـ خـفـيـ أـمـرـ جـمـيلـ:
- ٩٠- سـوـءـ الـظـنـ هـوـ اـتـهـامـ شـخـصـ لـشـخـصـ آـخـرـ بـدـلـيلـ مـنـطـقـيـ:
- ٩١- الغـيـبةـ هـيـ مـنـ أـهـمـ أـسـبـابـ التـوـاـصـلـ بـيـنـ النـاسـ:

ف اـقـرـأـ النـصـ ثـمـ أـجـبـ عـنـ الـأـسـئـلـةـ: (مـتنـ رـاـبـخـوـانـ سـيـسـ بـهـ سـؤـالـاتـ بـاـسـخـ بـدـهـ).

﴿أَيُّهَا الْزَّمَلَاءُ، لَا تَعِيبُوا الْآخَرِينَ وَ لَا تُتَّقِّبُوهُمْ بِالْأَقْبَابِ قَبِيْحَةً يَكْرَهُونَهَا. بَئْسَ الْعَمَلُ الْفُسُوقُ وَ مَنْ يَفْعَلْهُ فَهُوَ مِنَ الظَّالِمِينَ. فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى الْإِشْهَادَ بِالْآخَرِينَ وَ سُوءَ الْظَّنِّ وَ التَّجَسِّسَ وَ الْغَيْبَةَ. لَأَنَّهَا مِنْ أَسْبَابِ قَطْعِ التَّوَاصُلِ بَيْنَ النَّاسِ. قَدْ يَكُونُ بَيْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحَسَّنُ مِنَّا فَعَلَيْنَا أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعَجَبِ. أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعِيبَ مَا فِيكَ مِثْلُهُ.﴾

- ٩٢- مـنـ هـوـ مـنـ الـظـالـمـيـنـ؟
- ٩٣- أـذـكـرـ مـاـ حـرـمـهـ اللـهـ تـعـالـىـ حـسـبـ النـصـ.
- ٩٤- مـاـ هـيـ أـسـبـابـ قـطـعـ التـوـاـصـلـ بـيـنـ النـاسـ؟
- ٩٥- مـاـ هـوـ أـكـبـرـ الـعـيـبـ حـسـبـ النـصـ؟
- ٩٦- لـمـاـذـاـ عـلـيـنـاـ أـنـ نـبـتـعـدـ عـنـ الـعـجـبـ؟

﴿يُوـجـدـ فـيـ الـقـرـآنـ الـحـكـيمـ آـيـاتـ فـيـ الـأـخـلـاقـ. فـقـدـ حـرـمـ اللـهـ تـعـالـىـ هـذـهـ الـذـنـوبـ، مـنـهـاـ: الـإـسـتـهـزـاءـ بـالـآـخـرـينـ وـ تـسـمـيـتـهـمـ بـالـأـسـمـاءـ الـقـبـيـحةـ وـ سـوـءـ الـظـنـ وـ هـوـ اـتـهـامـ شـخـصـ لـشـخـصـ آـخـرـ بـدـلـيلـ مـنـطـقـيـ وـ التـجـسـسـ وـ هـوـ مـحاـوـلـهـ قـبـيـحـهـ لـكـشـفـ أـسـرـارـ النـاسـ لـفـضـحـهـمـ وـ هـوـ مـنـ كـبـائـرـ الـذـنـوبـ فـيـ مـكـتـبـنـاـ وـ مـنـ الـأـخـلـاقـ الـسـيـئـةـ. الـغـيـبةـ مـنـ أـهـمـ أـسـبـابـ قـطـعـ التـوـاـصـلـ بـيـنـ النـاسـ.﴾

- ٩٧- أـذـكـرـ الـذـنـوبـ الـتـيـ قـدـ حـرـمـ اللـهـ تـعـالـىـ حـسـبـ النـصـ.
- ٩٨- عـيـنـ مـاـ هـوـ مـنـ كـبـائـرـ الـذـنـوبـ.
- ٩٩- مـاـ هـيـ أـهـمـ أـسـبـابـ قـطـعـ التـوـاـصـلـ بـيـنـ النـاسـ؟
- ١٠٠- عـيـنـ الصـحـيـحـ وـ الـخـطـأـ حـسـبـ النـصـ.

- ١) سـوـءـ الـظـنـ هـوـ اـتـهـامـ شـخـصـ لـشـخـصـ آـخـرـ بـدـلـيلـ مـنـطـقـيـ.
- ٢) التـجـسـسـ ذـنـبـ لـفـضـحـ النـاسـ وـ كـشـفـ أـسـرـارـهـمـ.
- ٣) لـيـسـ فـيـ الـقـرـآنـ الـحـكـيمـ آـيـاتـ فـيـ الـأـخـلـاقـ.
- ٤) الغـيـبةـ مـنـ كـبـائـرـ الـذـنـوبـ وـ سـبـبـ لـقـطـعـ التـوـاـصـلـ بـيـنـ النـاسـ فـقـطـ.

مهارت مکالمه

ص أجب عن السؤالات: (به سؤالات پاسخ بده.)

- ۱۰۱- ما اسمك؟
- ۱۰۲- أين اشتريت هذا القميص الرجالـي؟
- ۱۰۳- هل عندك متجر في السوق؟
- ۱۰۴- أى لون حولك؟
- ۱۰۵- كم سعر قميصك؟
- ۱۰۶- هل تأخذ (تأخذين) التحفـيق من البائع؟

ق رتب الكلمات واكتـب الجملـة الصـحيحة: (كلمات را مرتـبـن و جملـهـاي صـحـيـحـ رـاـبـوـيـسـ.)

- ۱۰۷- من / أريد / . / هذه / غالـية / هذا / أرـχـص / الأـسـعـاءـ / .
- ۱۰۸- المـبـلـغـ / ثـلـاثـيـنـ / صـارـ / مـيـتـيـنـ / توـمـانـ / كـمـ / ؟ / وـ / .
- ۱۰۹- لـهـ / . / أـفـضـلـ / مـتـجـزـ / ذـلـكـ / زـمـيلـيـ / ، / سـراـوـيـلـ / .

پاسخ سؤالات امتحانی درس

<input checked="" type="checkbox"/> گـرـگ	<input type="checkbox"/> گـناـه	<input type="checkbox"/> گـناـه	<input type="checkbox"/> گـناـه	۱۸
<input type="checkbox"/> قـرـمز	<input type="checkbox"/> سـيـاه	<input checked="" type="checkbox"/> بهـتر	<input type="checkbox"/> سـفـيد	۱۹
<input checked="" type="checkbox"/> شـلـوار	<input type="checkbox"/> پـيرـاهـنـ زـنانـهـ	<input type="checkbox"/> پـيرـاهـنـ مرـدانـهـ	<input type="checkbox"/> باـغـ	۲۰
<input checked="" type="checkbox"/> اـرـتـباطـ	<input type="checkbox"/> رـيشـخـندـ	<input type="checkbox"/> جـاسـوسـيـ	<input type="checkbox"/> بدـگـمانـيـ	۲۱
			<input type="checkbox"/> كـرـدنـ	كـرـدنـ

(همـهـ بهـجزـ «الـتوـاـصـلـ» اـزـ گـناـهـانـ هـسـتـنـدـ.)

<input checked="" type="checkbox"/> دـنـا	<input type="checkbox"/> آـمـريـكا	<input type="checkbox"/> اـروـپـا	<input type="checkbox"/> آـسـيا	۲۲
---	------------------------------------	-----------------------------------	---------------------------------	----

(همـهـ بهـجزـ «دـنـاـ» قـاـزـهـ هـسـتـنـدـ.)

كبـيـرـةـ	←	كـبـائـرـ	الـقـابـ	←	لـقـبـ	۲۳
خـطـيـئةـ	←	خـطـيـاـتـ	أـرـذـلـ	←	أـرـذـلـ	
أـخـ	←	إـخـوـةـ،ـ إـخـوانـ	أـفـاضـلـ	←	أـفـاضـلـ	
سـيـرـ	←	أـسـعـارـ	لـحـومـ	←	لـحـومـ	
مـيـتـ	←	أـمـوـاتـ،ـ مـؤـتـيـ	بـهـائـمـ	←	بـهـائـمـ	
مـيـزانـ	←	مـطـاعـمـ	مـواـزـيـنـ	←	مـواـزـيـنـ	

۲۴. اـيـ كـسانـيـ كـهـ اـيـمانـ آـورـديـدـ اـزـ سـيـاريـ اـزـ گـماـنـ [ـهاـ] بـيرـهـيـزـيدـ هـمـاـنـ بـرـخـيـ

گـماـنـ [ـهاـ] گـناـهـ هـسـتـنـدـ.

۲۵. اـزـ خـودـتـانـ عـيـبـ نـگـيرـيدـ وـ بـهـ يـكـدـيـگـرـ لـقـبـهـاـيـ زـشـتـ نـدـهـيـدـ پـسـ اـزـ اـيـمانـ

(ـبـهـ خـداـ) نـامـ آـلوـدـهـ شـدـنـ بـهـ گـناـهـ چـهـ بـدـ استـ.

۲۶. جـاسـوسـيـ نـكـنـيـدـ وـ بـاـيـدـ غـيـبـتـ يـكـدـيـگـرـ رـاـكـنـيـدـ. (نـبـاـيـدـ بـرـخـيـ اـزـ شـماـ غـيـبـتـ

(ـبـرـخـيـ [ـدـيـگـرـ] رـاـكـنـدـ.)

۲۷. بـاـيـدـ اـزـ خـودـپـسـنـدـيـ دـورـيـ كـنـيـمـ وـ عـيـبـهـاـيـ دـيـگـرـانـ رـاـ باـ سـخـنـيـ پـنـهـانـ يـاـ

باـ اـشـارـهـاـيـ يـادـ نـكـنـيـمـ.

۲۸. اـيـ دـانـشـ آـمـوزـانـ،ـ اـزـ دـيـگـرـانـ عـيـبـ نـگـيرـيدـ وـ آـنـاـنـ رـاـ باـ لـقـبـهـاـيـيـ كـهـ آـنـاـنـ رـاـ

نـاـپـسـنـدـ مـيـ دـارـنـدـ،ـ لـقـبـ نـدـهـيـدـ.

۲۹. [ـچـهـ] بـدـ كـارـيـ اـسـتـ آـلوـدـهـ شـدـنـ بـهـ گـناـهـ وـ هـرـ كـسـ آـنـ رـاـ انـجـامـ دـهـ دـهـ پـسـ

اوـ اـزـ سـتـمـكـارـانـ اـسـتـ.

۱. نـبـاـيـدـ مـسـخـرـهـ كـنـدـ
۲. [ـچـهـ] بـدـ اـسـتـ - آـلوـدـهـ شـدـنـ بـهـ گـناـهـ
۳. بـيرـهـيـزـيدـ - گـناـهـ
۴. رـيشـخـندـ كـرـدنـ - جـاسـوسـيـ كـرـدنـ
۵. مـهـمـتـرـينـ - اـرـتـباطـ
۶. قـيمـتـ - پـيرـاهـنـ مرـدانـهـ
۷. تـخـيـفـ - هـزارـ
۸. بـدـ شـدـ (ـبـدـ باـشـدـ) - عـذـابـ دـادـ (ـعـذـابـ مـيـ دـهـدـ)
۹. گـوشـتـ - مـرـدـ
۱۰. عـيـبـ نـگـيرـيدـ - بـهـ يـكـدـيـگـرـ لـقـبـهـاـيـ زـشـتـ نـدـهـيـدـ
۱۱. بـسـيـارـ تـوبـهـ پـذـيرـ
۱۲. پـنـهـانـ
۱۳. خـودـپـسـنـدـيـ
۱۴. لـقـبـ نـدـهـيـدـ - نـاـپـسـنـدـ مـيـ دـارـنـدـ
۱۵. رـسوـاـكـرـدنـ - گـناـهـانـ بـزـرـگـ
۱۶. مـغـازـهـ - هـمـكـارـ
۱۷. رـاـيـدـ ≠ نـاقـصـ
- (ـبـهـ اـضـافـهـ ≠ مـنهـاـيـ)
۱۸. إـثـمـ = ذـنـبـ
- (ـگـناـهـ)
۱۹. أـقـلـ ≠ أـكـثـرـ
- كـبـائـرـ = الدـنـوبـ الـكـبـيرـةـ
- (ـگـناـهـانـ بـزـرـگـ)
۲۰. رـخـيـصـةـ ≠ غـالـيـةـ
- مـحـاـوـلـةـ = اـجـتـهـادـ
- (ـتـلاـشـ كـرـدنـ)
۲۱. أـبـيـضـ ≠ أـسـوـدـ
- عـسـيـ = رـبـيـماـ
- (ـشـايـدـ)
۲۲. سـفـيـدـ ≠ سـيـاهـ
- قطـلـ = وـصلـ
- (ـبـرـيـدـنـ ≠ وـصـلـ كـرـدنـ)

* در قرآن کریم آیه‌هایی در (درباره) اخلاق یافت می‌شود. پس خداوند بلندمرتبه این گناهان را حرام کرده است، از جمله آن‌ها: ریشخند کردن دیگران و نامیدن آن‌ها با نام‌های رشت و بدگمانی و آن تهمت زدن یک شخص به شخص دیگر بدون دلیل منطقی و جاسوسی کردن و آن تلاش رشتی برای کشف رازهای مردم برای رسوا کردن آنان و آن از بزرگ‌ترین گناهان در مکتب ما و اخلاق‌های رشت است. غیبت از مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم است.

۹۷. بر اساس متن گناهانی را که خدای بلندمرتبه حرام کرده است را یاد کن. الإستهزا بالآخرین، سوء الظن، التجسس و الغيبة (ریشخند کردن دیگران، بدگمانی، جاسوسی کردن و غیبت)

۹۸. آن‌چه که از گناهان بزرگ است را مشخص کن. التجسس (جاسوسی کردن) ۹۹. مهم‌ترین علت‌های قطع ارتباط میان مردم چیست؟ الغيبة (غیبت) ۱۰۰. درست و غلط را بر حسب متن مشخص کن.

۱) بدگمانی آن تهمت زدن شخصی به شخصی دیگر بدون دلیل منطقی است.

۲) جاسوسی کردن گناهی برای رسوا کردن مردم و کشف رازهای آنان است.

۳) در قرآن حکیم آیه‌هایی در (درباره) اخلاق نیست.

۴) غیبت از بزرگ‌ترین گناهان است و فقط علتی برای قطع ارتباط میان مردم است.

۱۰۱. اسمت چیست؟ اسمی محمد (اسمی فاطمه) (اسم من محمد است. اسم من فاطمه است).

۱۰۲. آین بپراهن مردانه را از کجا خریدی؟ من السّوق، من المَتَجِر (از بازار، از مغازه) آیا مغازه‌ای در بازار داری؟ نعم، عندي متجر (بله، مغازه‌ای دارم).

۱۰۳. کدام رنگ اطرافت هست؟ أحمر - أسود - أزرق - أبيض - أحمر - بنفسجي (قرمز - سیاه - آبی - سفید - سبز - بنفش)

۱۰۴. قیمت پیراهنت چند است؟ ثلاثة و ثلاثون ألفاً (سی و سه هزار)

۱۰۵. آیا از فروشنده تخفیف می‌گیری؟ نعم، لا (بله، خیر)

۱۰۶. أريد أرخص من هذا. هذه الأسعار غالية.

۱۰۷. كم صار المبلغ؟ متين و ثلاثين تومان.

۱۰۸. ذلك متجر زميلي، له سوابيل أفضل.

۱۰۹. غلط - یاد کردن عیب‌های دیگران با سخنی پنهان کاری زیباست.

۱۱۰. غلط - بدگمانی همان تهمت زدن شخصی به شخص دیگر با دلیل منطقی است.

۱۱۱. غلط - غیبت آن از مهم‌ترین علت‌های ارتباط میان مردم است.

ترجمه متن

* ای همشادردی‌ها، از دیگران عیب نگیرید و آنان را با لقب‌های رشت که آن‌ها را ناپسند می‌دارند لقب ندهید. آلوه شدن به گناه [چه] بد کاری است و هر کس آن را انجام دهد پس او از ستمکاران است. پس قطعاً خدای بلندمرتبه ریشخند کردن دیگران و بدگمانی و جاسوسی کردن و غیبت کردن را حرام کرده است. زیرا آن‌ها از علت‌های بردین (قطع) ارتباط میان مردم هستند. گاهی میان مردم کسی است که او از ما بهتر است، پس ما باید از خودپسندی دوری کنیم. بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه مانندش در تو هست را عیب بگیری.

۱۱۲. چه کسی از ستمکاران است؟ مَنْ يَفْعُلُ الْفُسُوقَ. (کسی که آلوه شدن به گناه را انجام می‌دهد.)

۱۱۳. آن‌چه خداوند بلندمرتبه آن‌ها را بر اساس متن حرام کرد را نام ببرید. الإستهزا بالآخرین و سوءالظن و التجسس و الغيبة. (ریشخند کردن دیگران و بدگمانی و جاسوسی کردن و غیبت)

۱۱۴. علت‌های بردین (قطع) ارتباط میان مردم چیست؟ الإستهزا بالآخرین و سوءالظن و التجسس و الغيبة. (ریشخند کردن دیگران و بدگمانی و جاسوسی کردن و غیبت)

۱۱۵. بر اساس متن بزرگ‌ترین عیب چیست؟ أكْبَرُ العَيْبِ أَنْ تَعْيِبَ مَا فِيكَ مِثْلُه. (بزرگ‌ترین عیب آن است که آن‌چه مانند آن در تو هست را عیب بگیری.)

۱۱۶. چرا ما باید از خودپسندی دوری کنیم؟ لأنَّ قد يكونُ بين الناسِ مَنْ هو أَحْسَنُ مَنًا. (زیرا گاهی میان مردم کسی است که او از ما بهتر است).